

## بررسی تاثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر سلامت روان و پیشرفت دانش آموزان

علی سبوحی<sup>۱</sup>، اعظم کسایان<sup>۲</sup>، سیما خدام عباسی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت دولتی - رفتار سازمانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

<sup>۳</sup> دانشجوی دکترای تخصصی ژئوتکنیک

### چکیده

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش و از جمله موضوعات مهم و مورد توجه در موقعیت های تعلیم و تربیتی است که از عوامل مختلف شخصی و موقعیتی اثر می پذیرد. عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از جمله مهمترین این عوامل هستند. هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر سلامت روان و پیشرفت دانش آموزان بوده و این تحقیق به روش توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است. نتایج نشان می دهد که عوامل اقتصادی و اجتماعی و خانواده و همچنین عناصر فرهنگی از قبیل عقاید و باورها، گرایش ها و آداب و رسوم اجتماعی نقش موثری بر سلامت روان و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارند.

**واژه های کلیدی:** سلامت روان، دانش آموزان، پیشرفت تحصیلی، فرهنگ، خانواده

## مقدمه

نقش شگفت انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست. تعلیم و تربیت یکی از عناوینی است که در جامعه امروز نقش اساسی دارد و اهمیت و توجه به آن ناشی از ارزشهای فردی و اجتماعی آن در تکوین نظام و جوامع بشری است. جوامع بشری سعی در آن دارد تا با مطالعه و تحقیق یافته های خود در قالب راه حل های مناسب و مطلوب ارائه دهند و در جهت پیشبرد و اهداف عالی و غائی بشر گامی بردارند و عوامل و متغیر های گوناگونی را که در جریان تعلیم و تربیت وجود دارد بشناسد. [۱]

عوامل اقتصادی، فرهنگی، نوع مدرسه محل تحصیل دانش آموز، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، نحوه تعامل والدین و فرزندان، چگونگی ارتباط معلم و دانش آموزان و ..... از جمله عوامل موثر بر عملکرد تحصیلی و کانون توجه پژوهشگران جامعه شناسی و روانشناسی بوده است. [۲] متغیر پیشرفت تحصیلی چند بعدی است و از عوامل متعدد و بیشماری تاثیر می پذیرد و گسترش پژوهش ها و یافته های حاصل از آن ها در سطح آموزش و پرورش، هرگونه تفکر مبتنی بر ساده انگاری برای تبیین پیشرفت تحصیلی را نفی می کند.

از آن جا که فرزندان هر خانواده، آینده سازان مملکت هستند، پیشرفت تحصیلی آن ها امری است که پس از سلامت جسمی و روانی، از اهمیت ویژه برخوردار است. عملکرد تحصیلی فرآیندی است که ناظر به چگونگی فعالیت های آموزشی و درسی دانش آموز در محیط های آموزشی از جمله انجام تکالیف درسی، پاسخ های کتبی و شفاهی به آزمون های کلاسی، حضور پیوسته در کلاس درس، رعایت نظم در کلاس، مشارکت در فعالیت های گروهی و انفرادی، برنامه ریزی درسی و تحصیلی و پیشرفت تحصیلی است.

از طرف دیگر، یکی از محورهای ارزیابی سلامتی جوامع مختلف، بهداشت و سلامت روانی آن جامعه است. سلامت روانی، نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می کند. [۳] اصولاً دانش آموزان به دلیل شرایط خاص سنی، مستعد از دست دادن سلامت روانی بوده و با توجه به مشکلات خاص خود دچار فشارهای روانی هستند. شواهد تجربی نشان می دهد که عوامل اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و اقتصادی نیز از جمله عوامل مؤثر در سلامت روانی دانش آموزان است که باید به طور همزمان مورد توجه والدین و مربیان قرار بگیرد. نکته حائز اهمیت این است که باید به نقش شاخص ها و عوامل مؤثر و تعیین کننده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کنار عوامل خطر ساز و عوامل محافظت کننده در سلامت روان، توجه خاص شود. [۴]

با توجه به اینکه پرورش کودکان و نوجوانان و البته عملکرد خوب آنها در زمینه تحصیلات، از اهداف خانواده و مدارس است؛ و همه تغییرات و فعالیت های مدرسه و خانواده در این زمین است؛ همچنین خانواده منابع و منافعی را اختیار دانش آموز قرار میدهد که ممکن است سرمایه ایی برای کودک در زمینه های تحصیلی دانش آموز باشد و پیشرفت او را در دنیای تحصیلات فراهم کند، نیاز است میزان تاثیر فرهنگ خانواده و مدرسه در جامعه و اثرات آن بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان بررسی شود.

## پیشینه تحقیق

ارجمند سیاهپوش و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ی متوسطه شهر شوش دانیال(ع) پرداخته و نشان دادند: « بین متغیرهای جنسیت، طبقه اجتماعی، بعد خانوار (تعداد اعضای خانواده)، عزت نفس، علاقه به رشته و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. متغیرهای ساعات مطالعه، جنس، طبقه اجتماعی والدین و میزان عزت نفس به ترتیب سهم بیشتری در پیشگویی متغیر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، در مقایسه با سایر متغیرها دارند. »

صحبتي ها و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت روان دانش آموزان (مطالعه موردی دوره ی متوسطه منطقه ساجسرو) پرداخته اند و به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای گرایش دینی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سرمایه اجتماعی و محیط مدرسه به طور مستقیم بر سلامت روان دانش آموزان تاثیر گذار بوده اند. در بین عوامل مورد مطالعه، عامل مربوط به گرایش دینی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی بیشترین سهم را در به وجود آوردن سلامت روان به خود اختصاص داده اند.

نتایج پژوهش حسین بگلو (۱۳۹۴) در بررسی تاثیر ارزشهای فرهنگی بر سلامت روان دانش آموزان نشان داد ارزش های فرهنگی مبتنی بر چهار محور مرد خو - زن خو، ابهام گریزی، فاصله قدرت، فرد گرا - جمع گرا می باشد. در نظام ارزشی مرد خو از مردان انتظار می رود که جسور و پرخاشگر باشد و بر موفقیت های مادی آن ها تأکید می شود. در فرهنگ های زن خو از زنان انتظار می رود که با حیا و حساس باشد و به کیفیت زندگی اهمیت دهند. در فرهنگ هایی که ابهام گریزی بالایی دارند نسبت به آینده نگران می باشند و با ایجاد راه های کنترل کننده مانند مذهب، قوانین، طرح های اجتماعی از خطر اجتناب می کند گفته در فرهنگ های فردگرا و جمع گرا ارتباطی که بین فرد و جمع در یک جامعه وجود دارد وابسته است. در فرهنگ های فردگرا ارتباط فرد با دیگران کم بوده و هر کس براساس علایق شخصی عمل می کند اما در فرهنگ های جمع گرا، افراد با اعضای جامعه ارتباط نزدیکی دارد. افرادی که در فرهنگ های با فاصله قدرت باد زندگی می کند اقتدار و سلطه را راحت تر از کسانی می پذیرند که در فرهنگ های با فاصله قدرت پایین زندگی می کنند که برابری طبقات و افراد به عنوان ارزش شمرده می شوند که هر یک از ارزش های فرهنگی بالا می تواند بر سلامت روان افراد یک جامعه تأثیر زیادی داشته باشد.

یافته های پژوهش نوبخت و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی مشگین شهر نشان داد عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی مؤثر می باشد و شاخص های وضعیت اقتصادی، قیمت وسیله نقلیه شخصی خانواده، محل سکونت خانواده و میزان مسافرت برون شهری خانواده، سطح تحصیلات پدر، تعداد خواهر و برادر و میزان مطالعه والدین در منزل می تواند در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی تاثیر معناداری داشته باشد.

یلقی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود در بررسی تاثیر عوامل فرهنگی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به این نتیجه رسیدند که عوامل فرهنگی در مقطع متوسطه سهم بسزایی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. زیرا که در این مقطع دانش آموزان از نظر سنی رشد نموده و آمادگی کافی برای پذیرش بسیاری از مسائل را پیدا نموده اند حال اگر این پتانسیل در جهت مثبت به کار گرفته شود، بسیار گره گشا خواهد بود و عامل مهمی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به حساب خواهد آمد و اگر خدای نخواست به انحراف کشیده شود و در جهت منفی به کار گرفته شود اثرات مخرب آن بسیار زیاد خواهد بود. زیرا

فرهنگ شخصیت افراد را می سازد و با درونی شدن در وجود آنها عامل هدایت کننده ی آنهاست . بنا بر این هم می تواند سکوی پرتاب فرد به سوی رشد و ترقی بوده و او را به اوج برساند و هم می تواند او را به انحطاط و سقوط بکشان پس باید مسئولین امر به این نکته توجه نموده و زمینه هایی را فراهم آورند که سبب رشد فرهنگی دانش آموزان گردد و عوامل انحراف را شناسایی نموده و راه را بر کجروی ها ببندند . باید اذعان داشت که مسائل فرهنگی باید از پایه ی ابتدایی مد نظر قرار گیرد و روی ارزشها و هنجار های اجتماعی از کودکی تاکید گردد و اموری که آینده می خواهیم به آن برسیم از پایه روی آن کار شود مثلا اهمیت علم و دانش بعنوان یک ارزش اساسی از کودکی مورد تاکید قرار گرفته و در این مورد خانواده ، مدرسه و جامعه هماهنگ عمل نمایند. همچنین فق این مورد در شعار مطرح نباشد بلکه عملا به آن توجه شده و دانش آموزان را با عملا مشاهده نماید با نگاهی به جوامعی که امروز توسعه یافته اند مشاهده می کنیم که این کشور ها به آموزش و پرورش بهای زیادی داده و این مورد را در جامعه نهادی نموده اند. در کشوری که به علما و صاحب نظران اهمیت داده می شود و از جایگاه ویژه ای بر خوردارند بی شک این مورد انگیزه ای قوی برای آموزش ایجاد خواهد نمود.

سنجری فر (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی بررسی رابطه وضعیت اقتصادی و کسب و کار والدین با ترک تحصیل فرزندان پرداخته و نتیجه گرفت ارتباط مستقیم و معنی داری بین وضعیت اقتصادی و کسب و کار والدین و ترک تحصیل فرزندان به دست آمد .

## روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر عوامل اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی بر سلامت روان و پیشرفت دانش آموزان ، به شیوه توصیفی و از نوع کتابخانه ای انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

## یافته های تحقیق

بدون شک در دنیای پیشرفته امروزی یکی از علایم موفقیت فرد، پیشرفت تحصیلی می باشد که بدون آن توسعه و ترقی هیچ کشوری امکان پذیر نخواهد بود. ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علوم و دانش و تکنولوژی آن کشور دارد و پیشرفت علمی نیز حاصل نمی شود مگر اینکه افراد خلاق تربیت شده باشند، پیشرفت تحصیلی ضمن اینکه در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می شود.

دستیابی به بهره وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می توان اثر گذار ترین عامل در توسعه کشور ها دانست. تجارب کشورهای پیشرفته ای چون ژاپن در زمینه توسعه همه جانبه نیز حکایت از سرمایه گذاری بر روی منابع آموزشی و انسانی دارد. در راستای دستیابی به این اهداف بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه های آموزشی است. در حالی که امروزه افت تحصیلی یکی از نگرانی های خانواده ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات مورد علاقه صاحب نظران علوم تربیتی یافتن شرایط و امکانات لازم و مؤثر در جهت تحصیلی موفق و پیشرفت تحصیلی است. اما عدم موفقیت در تحصیل زمینه ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزش است. محققین عوامل مختلفی را

در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دخیل دانسته اند. اما با توجه به تفاوت های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی توان به عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود. زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به طور اخص در یک جامعه بر شکست یا موفقیت تحصیلی تأثیر می گذارند.

به طور کلی عواملی که بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر دارند را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

#### الف. عوامل فیزیولوژیکی:

این عوامل شامل متغیرهای بدنی و فیزیکی یاد گیرنده از جمله سوء تغذیه و سلامت جسمانی می شود.

#### ب. عوامل روانشناختی:

این عوامل شامل متغیرهای روانشناختی از جمله هوش، استعداد، خلاقیت خودپنداره، عزت نفس، نگرش نسبت به مسایل آموزشی، انگیزه پیشرفت، مکان کنترل و ویژگی های شخصی دیگر می شود.

#### پ. عوامل محیطی:

این عوامل در برگیرنده متغیرهای بیرونی شامل پایگاه اقتصادی و اجتماعی (درآمد، تحصیلات، محل زندگی) متغیرهای مربوط به خانواده (تعداد افراد خانوار، سبک فرزند پروری والدین، ارزشهای فرهنگی خانواده) و متغیرهای مربوط به محیط مدرسه (شرایط مدرسه، مدیریت مدرسه، نگرش ویژگی های معلمان، فرهنگ و جو سازمانی مدرسه) می شود

#### عوامل فرهنگی

همچنان که هوا ما انسانها را احاطه کرده و ما در آن نفس می کشیم و نقش بسیار مهمی در زندگی ما دارد، فرهنگ هم ما را احاطه کرده و در سراسر زندگی ما نقش دارد و بر بسیاری از مسائل ما اثر میگذارد اما به علت انتزاعی بودن، نبود تعاریف یکسان و تغییرات مداوم، به راحتی قابل شناسایی نیست. فرهنگ در فرهنگ لغت فارسی عمید به این صورت معنی شده :علم، دانش، ادب ، معرفت ، تعلیم و تربیت ، آثار علمی و ادبی یک قوم و ملت و .....

فرهنگ، مفروضات ، اعتقادات ، شیوه های رفتاری و ارزشهای یکسان در بین گروههای انسانی و جوامع است که منحصر به همان گروه است و سبب تفاوت بین گروه ها و قبایل انسانی میشود. به نوعی فرهنگ از افراد همان گروه یا جامعه نشأت گرفت ، اما کلیتی فراتر و بالاتر از آنها پیدا کرده و باعث میشود که نوعی اشتراک و وابستگی بین اعضا ایجاد شود و آنها را به هم متصل میکند . این فرهنگ مشترک سبب حرکت گروه به سمت اهداف مشترک و تداوم آن میشود و جامعه برای تداوم خود آن را به نسلهای دیگر خود انتقال می دهد.

زندگی بشر در عصر حاضر بیش از هر دوره دیگر با پدیده فرهنگ نسبت دارد فرهنگ هر ملتی نشانه هویت و استقلال آن ملت است کسب و حفظ استقلال فرهنگی و فکری نشانه حیات و قدرت یک جامعه است و ویرانی و انهدام یک فرهنگ ویرانی یک ملت است. تعلیم و تربیت انسانها و به تبع آن برنامه های درسی برای ایجاد تغییر و تحول در انسانها به کار گرفته می شوند. هیچ نظام تربیتی را نمی توان یافت که برای تربیت انسانها کوشش کند ولی جهت گیری مشخص در این کار نداشته باشد به همین دلیل کار تعلیم و تربیت در بین همه امور، زندگی حساسیت و اهمیت خاص می یابد و پرداختن به آن یک اقدام زیر بنایی و مهم تلقی می شود. در تفکر راجع به ماهیت و مبنای تعلیم و تربیت مقولاتی خود را نشان میدهند که نمیتوان از کنار آنها به سادگی گذشت. یکی از این مقولات فرهنگ می باشد. [۵]

وجود تفاوت های فرهنگی به عنوان یک واقعیت مهم در اغلب جوامع و الزامات و ضرورت های پیش رو در مواجهه با این، مقوله برنامه ریزان و کارگزاران تعلیم و تربیت را بر آن داشت بیش از پیش به این مسأله توجه نمایند زیرا آموزش یادگیری و پرورش در هر جامعه ای با فرهنگ ارتباطی متقابل و تنگاتنگ دارند بدین معنی که از یکسو فرهنگ را محصول آموزش قلمداد نموده اند و از سوی دیگر فرآیند آموزش را متأثر از نظام، معنایی ارزشها و هنجارهای یا همان فرهنگ موجود در یک جامعه تصور کرده اند.

از این رو نظام آموزش و پرورش در همه کشورها یکسان نیست و هر، فرهنگی نظام آموزش و پرورش متناسب خود را تحقق می بخشد. [۶] فرهنگ یک جامعه نه تنها موقعیت عینی کارکردهای ذهنی را فراهم میکند بلکه موجب شکل گیری آن ها نیز می شود. به عبارت دیگر فرهنگ شکل دهنده ذهن و جعبه ابزاری برای ساختن دنیای خود و همه مفاهیم و برداشت های ذهنی است. بنابراین آموزش و یادگیری اثر بخش مستلزم قرار گرفتن آموزگاران و دانش آموزان در دنیایی با زمینه های فرهنگی مناسب و مرتبط با زندگی است. اگر چه یادگیری در ذهن انجام می شود ولی ریشه در فرهنگی دارد که یادگیری از آن نشأت میگیرد در واقع این زمینه فرهنگی یادگیری است که امکان ایجاد ارتباط بین عوامل مختلف فرآیند آموزش و یادگیری را فراهم می کند. بنابراین شناخت زمینه فرهنگی آموزش و یادگیری یکی از اساسی ترین ملزومات برنامه ریزی فرآیند آموزش و یادگیری اثر بخش است.

برای فرهنگ تعاریف گوناگونی ارائه شده است. این تعدد تعاریف به حدی است که ارزیابی همه آنها در این مجال نمی گنجد ولی پس از بررسی این تعاریف میتوان گفت که فرهنگ یعنی آنچه که در یک جامعه مرسوم است و یا در بین افراد آن جامعه رواج دارد. البته ممکن است موضوعات مختلفی در میان افراد یک جامعه رواج داشته باشد ولی یک عنصر فرهنگی به حساب نیاید در واقع نمی توان فرهنگ را مساوی رواج یافتگی قلمداد کرد؛ اما قدر مشترکی که برای همه مصادیق فرهنگ یا امور فرهنگی میتوان یافت، همین رواج یافتگی با مرسوم بودن است. بنابراین بارزترین ویژگی ای که می توان در تعریف فرهنگ اخذ کرد رواج یافتگی یک امر در جامعه است. در هر حال رواج یافتگی و مرسوم بودن را باید یک ویژگی مهم در تعریف فرهنگ محسوب کرد

به نظر میرسد امری که بناست به عنوان فرهنگ تلقی شود باید غالباً تحت یکی از عناوین پنجگانه ای که در ادامه می آید قرار گیرد. بر این اساس امری را که از این پنج عنوان خارج هستند اگر چه مرسوم و رواج یافته باشند نوعاً نمی توان تحت عنوان فرهنگ قرار داد و آنها را جزئی از فرهنگ جامعه قلمداد کرد هر چند ممکن است مبتنی بر فرهنگ جامعه یا مرتبط با آن باشند این پنج عنوان که اساس فرهنگ یک جامعه را تشکیل می دهند عبارتند از:

## ۱. عقاید و باورها

مراد از عقاید و باورها باورهای قدسی و عقایدی است که شامل ایمان به غیب می شود نه عقیده و باور به معنای رای و نظر. طبیعتاً آگاهی و جهان بینی مقبول در یک جامعه و گرایشهای قطری به امور معنوی پایگاه اصلی سازنده عقائد دینی به حساب می آیند

## ۲. نگرشها

منظور از نگرش برداشت تلقی و قضاوت نهایی یک فرد درباره یک مفهوم پدیده یا شخص است ممکن است این برداشت و تلقی مطابق یا برآیند آگاهیهای او و یا حتی مغایر با برخی آگاهیهای او باشد و نیز ممکن است صرف چند آگاهی از میان تمام آگاهیهای مربوط به یک موضوع یا مفهوم نگرشی را در فرد ایجاد کنند. به عبارت دیگر نگرش مساوی با همه آگاهی ها نیست بلکه نوعی جمع بندی و یا برداشت منتخبی از آگاهی هاست

## ۳. علائق و گرایشها

تمایلات و علاقه مندیهای افراد نیز جزء اموری است که میتواند به عنوان عناصر کلیدی فرهنگ تلقی شود. گرایش اگر چه مانند برخی دیگر از عناصر فرهنگ یک امر درونی و شخصی محسوب میشود ولی آنجا که به هر حال بروز و ظهور بیرونی پیدا میکند قابل شناسایی خواهد بود و هنگامی که وجه مشترک افراد یک جامعه میشود یک عنصر فرهنگی به حساب می آید

## ۴. رفتارها و آداب شخصی

نوع رفتارهای افراد یک جامعه و آدابی که نحوه رفتار انسان را در موقعیتهای مختلف زندگی شخص تعیین می کنند، یکی از مهمترین بخشهای فرهنگ به حساب می آیند شاید عبارت سبک زندگی بیشتر با این بخش تناسب داشته باشد.

## ۵. آیین و رسوم اجتماعی

منظور آن دسته از آداب اجتماعی است که چگونگی تعاملات انسان را در مناسبات اجتماعی و زندگی جمعی تعیین می کند. رسوم مربوط به اظهار غم و، شادی سوگواری ها و اعیاد از اهم این آیینها به حساب می آیند.

اگر مصداقی از این پنج عنوان در جامعه رواج پیدا کرد میتوان آن را جزئی اساسی از فرهنگ یک جامعه نامید و عنصری از عناصر فرهنگی آن جامعه قلمداد کرد امور دیگری نیز ممکن است در جامعه رواج پیدا کرده و فراگیر شوند اما آنها را جزء فرهنگ آن جامعه به حساب نمی آوریم. قانون یکی از این موارد است. قانون معمولاً یک حکم فراگیر است که در جهت اصلاح و تنظیم رفتار، جامعه وضع شده است هر چند قانون امری فراگیر است که تاثیرات گسترده ای بر رفتار فردی و اجتماعی همه افراد جامعه میگذارد ولی جزئی از فرهنگ جامعه نیست خارج کردن برخی موارد رواج یافته در جامعه از ذیل مفهوم، فرهنگ

بدین معنی نیست که این امور با فرهنگ جامعه ارتباطی نداشته باشند بلکه این امور هم از فرهنگ جامعه متأثر میشوند و هم بر فرهنگ جامعه اثر میگذارند .

### نقش فرهنگ در پیشرفت تحصیلی

فرهنگ به همه وجوه زندگی متجمله اشکال، فیزیکی زبانی اجتماعی و ذهنی دلالت دارد فرهنگ به ایده هایی که مردم دارند رابطه ای که آنها با خویشان و سایرین در نهادهای اجتماعی دارند زبانی که با آن سخن میگویند اشاره دارد .

بسیاری از پژوهشگران ادعای تاثیر فرهنگ بر پیشرفتهای تحصیلی کودکان و برنامه های درسی را تایید می کنند . همچنین افراد اندکی وجود دارند که تاثیر عوامل فرهنگی را بر آموزش نادیده انگارند هم چنین تعداد بسیار کمی نیز هستند که به نحو دقیق به ما بگویند که این عوامل چه هستند به سختی ما می توانیم این عوامل را از یکدیگر مجزا سازیم و در بهترین حالت این موضوع بدون پشتوانه کافی بوده و لذا برای همگان آسان تر است که به صورت کلی از این موضوع یاد کنند .

اگر فرهنگ رفتار اعضای خود را تعیین می کند، پس برنامه درسی هم باید بر اساس مطالعه ای مستقیم از وضع امروز و فردای فرهنگ بنا نهاده شده باشد. قبول چنین پیش فرضی موجب می گردد نه تنها برنامه درسی بلکه تمامی مولفه های مربوط به آن از جمله رابطه معلم با دانش آموز، والدین، کارکنان مدرسه، روشهای تدریس و یادگیری و در نهایت کلیت نظام برنامه ریزی آموزش و پرورش متأثر از فرهنگ در نظر گرفته شود.

ورود فرهنگ به عرصه تعلیم و تربیت و از جمله برنامه درسی به عنوان قلب نظام آموزشی منجر به این گردید که برنامه های درسی نه تنها از منظر عناصر آن هدف محتوا روش و ارزشیابی بلکه به صورت مجموعه ای از پویایی های در هم تنیده در نظر گرفته شود بر این اساس است که از دیدگاه برونر فرهنگ آیین توصیف و تفسیر برنامه درسی است و برنامه های درسی همیشه منعکس کننده مجموعه ای از ارزشهای فرهنگی است . بر این اساس از منظر رویکردی فرهنگی باید برنامه درسی را با توجه به بستر اجتماعی و زمینه فرهنگی که در آن اجرا می شود در نظر گرفت ، به همین دلیل لازم را است برنامه ریزان درسی در تمام مراحل برنامه ریزی حتی پیش از برنامه ریزی و در مطالعه مبانی اجتماعی به بحث بافت و زمینه به طور کلی و فرهنگ به طور خاص توجه نمایند .

مبانی اجتماعی برنامه درسی مشتمل بر هست ها یا به عبارتی حقایق و واقعیتهایی است که اصول حاکم بر فرایند برنامه ریزی درسی از آن استخراج می شود. در این میان بدون تردید فرهنگ خمیر مایه آن را تشکیل می دهد و بر تمامی جنبه های این فرایند و عناصر حاکم بر برنامه تاثیر دارد . [۷]

### فرهنگ مدرسه

هر مدرسه نیز فرهنگ مخصوص به خود را دارد که از باورها اعتقادات و مفروضات مشترک اعضای آن مدرسه شکل گرفته است. شاین (۱۹۸۵) و دیل و پترسون (۱۹۹۰) معتقدند که فرهنگ مدرسه شکلی پیچیده از سنتها و آداب و رسومی است که در طول زمان از طریق تعامل، معلمان دانش آموزان اولیا و مدیران و همچنین برای مقابله با بحرانها و حل مشکلات به وجود



میآید و سپس به گروهها و نسلهای بعدی مدرسه منتقل می شود. به طور کل همه چیز در مدرسه تحت تأثیر فرهنگ و ویژگیهای آن است و مدارس برای پیشرفت مستلزم تأکید بر ارزشها اعتقادات و باورهای مدرسه و محیط خارج از مدرسه هستند زیرا فرهنگ مدرسه از جامعه ای که در آن قرار دارد نیز اثر میپذیرد همچنین فرهنگ مدرسه یک عامل پیوند دهنده ای است که معلمان والدین و مدیران نگاهی هماهنگ به شیوه ها و سنت و اهداف و مقاصد مدرسه و جامعه خود داشته باشند. فرهنگ مدرسه به خاطر نقش مؤثری که در تغییرات و بهبود مدرسه و بازسازی در ساختارهای آموزشی دارد، اهمیت دارد زیرا اگر اصلاحات مدرسه با فرهنگی که بر مدرسه حاکم است، همسو نباشند، همه نوآوریها و اصلاحات به شکست منجر میشود و چیزی جز زیان در بر ندارد.

### فرهنگ خانواده

امروزه در سایه تحقیقات گسترده، مشخص شده است که تعامل وراثت و محیط، چگونگی رشد هر انسانی را تعیین می کند؛ به عبارت دیگر رفتار هر فردی تحت تأثیر ساختارهای ژنتیکی، محیط قبل از تولد و ضمن تولد و محیط بعد از تولد (خانواده، همسایگان، محل زندگی، جامعه، فرد، خرده فرهنگ ها و ...) است. محیطی که در آن کودکان رشد میکنند، همانند وراثت ژنتیکی بسیار پیچیده است. خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی مهم ترین نهاد برای رشد و پرورش محسوب می شود. رفتار هر عضو خانواده بر رفتار دیگر اعضا تأثیر دارد و سیستم خانواده یک سیستم پویا است و دائماً با رویدادهای تازه، تغییرات رشدی اعضای خانواده و تغییرات اجتماعی سازگار می شود. اما علی رغم این تغییرات می توان ویژگی های باثباتی را در عملکرد خانواده ها یافت که نحوه رفتار والدین با فرزندان و ارتباط خواهران و برادران را تعیین می کند. [۸]

والدین به طور کلی تصویری آرمانی از فرزندان خود دارند و همه تلاش خود را در جهت هدایت فرزند خود به سمت آن هدف می کنند و در این مسیر فرزند خود را تشویق یا تنبیه کرده، برای آنها الگو در نظر گرفته، انتظارات و باورهای خود را به آنها می قبولانند و سعی دارند فرزندشان در بهترین مراکز آموزشی و تربیتی تحصیل کرده و برایشان دوستانی که با اهداف و ارزش های آنها هماهنگ باشند انتخاب می کنند. براین اساس، برای فهم عمیق تر این موضوع می توان به مقایسه شیوه تعامل والدین با فرزندان از نظر راهبردهای انضباطی، گرمی و حمایت گری، شیوه های ارتباط و انتظارات مربوط به رشد و کنترل پرداخت.

بدون شک خانواده برای الگو شدن و آموزش رفتارها و معیارهای اخلاقی و اجتماعی نقش مهمی دارد. هر شکل از روابط و وابستگی های والدین به فرزندان و بالعکس به عنوان مبنایی برای ارتباطات اجتماعی بعدی فرد می تواند قرار گیرند. رفتارهایی از قبیل سخن گفتن. راه رفتن. آداب معاشرت. آداب غذا خوردن. طرز لباس پوشیدن. نحوه برخوردها. مسئولیت پذیری. مهر و صفا. پرخاشگری. رفتار کناره جویانه. محبت. شجاعت. عاطفه. تعاون. کمک به دیگران. ظلم و تجاوز و ... را همه کودک از پدر و مادر خود فرا می گیرد. اصولاً در روان شناسی کودک خصوصاً در سال های قبل از دبستان رفتار کودک به عنوان آینه ای از رفتار والدین به حساب می آید.

هرچند تفاوت هایی میان خانه و مدرسه وجود دارد، ولی هر دو در یک مسأله رایج، یعنی اطمینان از رشد مطلوب کودکان، مشترک هستند. برای تحقق این هدف، والدین به عنوان وظایف اصلی معمولاً می پذیرند که نیازهای جسمی کودکان را در ارتباط با غذا، لباس، تغذیه و بهداشت فراهم سازند؛ مهارت های اساسی اجتماعی را به آنان آموزش دهند؛ و مبانی یادگیری آنان را در

مدرسه پایه گذاری و از آن حمایت نمایند. مدرسه نیز به نوبه خود، وظیفه فراهم ساختن محیط مناسب، معلمان و برنامه هایی را که مطابق نیازها، علایق، شیوه های یادگیری و مسائل شرکت کنندگان باشد، به عهده می گیرد.

بسیاری از مدارس و خانواده ها به دلایل مختلف وظایف عمده خود را آن طور که شایسته است، انجام نمی دهند. شاید برخی مدارس سهم ناچیزی در ترغیب والدین به مشارکت یا انطباق دادن شیوه های خود با ویژگی های کودکانی که با سوابق مختلف به آن جا آمده اند، ایفا کنند. با این حال این مقاله به جای مدرسه به خانواده اهمیت بیش تری می دهد. در عین حال این اهتمام به این معنی نیست که در تأمین نیازهای دانش آموزان سازگاری با محیط مدرسه لازم نباشد، به ویژه آن که توانایی ها، نگرش ها و ارزش های برگرفته کودکان از خانه نسبت به آن هایی که در مدارس شکوفا می شود، بسیار متفاوت است. به علاوه، باید پذیرفت که اغلب خانواده ها ممکن است بدون همکاری مؤسساتی از قبیل مدارس، قادر به تأمین نیازهای آموزشی کودکان نباشند. بعضی خانواده ها در تأمین نیازهای اساسی کودکان (مانند نیاز غذایی) مشکل دارند. در عین حال، در یک مقیاس وسیع تر شواهد فراوانی وجود دارد که نقش مؤثر بسیاری از خانواده ها در فراهم ساختن شرایط مناسب برای پیشرفت تحصیلی کودکان تحت تأثیر منفی تحولات مختلفی قرار می گیرد که در ساختار و عملکرد جامعه و خانواده روی می دهد.

### نقش وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده در عملکرد تحصیلی

سطح در آمد خانواده نوع شغل پدر . میزان تحصیلات مادر عواملی را تشکیل می دهند که در تعیین سطح درآمد فرزندان تاثیر می گذارد . به هر صورتی که متغیرهای فوق را اندازه گیری کنیم ، به نظر می رسد که موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده اثر زیادی در درآمدهای آتی فرزندان داشته باشد. از طرق گوناگون درآمد فرزندان تحت نفوذ موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده قرار می گیرند . ترک تحصیل دانش آموزان با وضعیت اقتصادی جامعه و خانواده در ارتباط میباشد. عواملی چون پایین بودن در آمد مسکن نامناسب عدم سرپرستی و حضور پدر و مادر در خانواده، کثرت فرزندان و طبقه پایین شغلی والدین بر ترک تحصیل فرزندان تأثیر دارد. پس مسلم است که کیفیت آموزش و تربیت در رشد جسمانی و قوای دفاعی دانش آموز در خانواده هایی با سطح پایین اقتصادی و فرهنگی جامعه و خانواده اثرات مستقیمی بر عدم پیشرفت فرزندان به جای میگذارد . [۹]

به طور کلی محرومیتهای محیطی و کمبود محرکهای رشد ذهنی واجتماعی از عوامل مهم درافت تحصیلی کودکان ونوجوانان است . « درصد قابل توجهی ازدانش آموزانی که به طور جدی دچار افت تحصیلی شده اند کودکانی هستند که متعلق به خانواده هایی از تبار اقتصادی ، اجتماعی فوق العاده پائینی هستند که قواما با فقر اقتصادی وفرهنگی مواجه وازانگیزه تحصیلی بسیارپائین برخوردارند» [۱۰] دانش آموزانی هستند که از نظر بهره هوشی وجسمانی هیچگونه ناراحتی وعقب ماندگی ندارند اما بر اثر فقر خانوادگی وتحمل گرسنگی وکمبودها ونداشتن وسایل تحصیل نمی توانند به طور مرتب درمدرسه حضور یابند ودرسهای خود را فراگیرند ودرنتیجه دچارناکامی وعقب ماندگی میشوند . وضعیت اقتصادی تعیین کننده ی محل سکونت است و اگر دانش آموزان به دلیل فقر مالی نتوانند محل مناسبی داشته باشند برای انجام تکالیف و مطالعه ی دروس با مشکل روبرو خواهند بود . محل سکونت همچنین تعیین کننده نوع مدرسه ای است که کودک درآن درس میخواند . وقتی محل سکونت دانش آموز دریک محل فقیر باشد از نظر امکانات آموزشی ومعلمان با کمبودهایی روبرو میشوند که مستقیا برپیشرفت تحصیلی او اثرمیگذارد .

مشکلات والدین در راه کوشش و تلاش برای معاش و گرفتاریهای بیشمار آنها در این رابطه معمولاً والدین را از اوضاع و احوال فرزندان خود غافل مینماید و در حقیقت رابطه صحیحی را لازمه یک زندگی سالم است را مختل میسازد و اثرات این نوع زندگی در ظرف چند سال به اعماق نحیف افراد نفوذ میکند و موجب تخریب نیروهای بالقوه آنان میگردد. وقتی فقر در خانواده ای باشد امکان بروز مشکلاتی در رفتار جوانان من جمله دانش آموزان وجود خواهد داشت .

کودکانی که متعلق به خانواده هایی با پایگاه اقتصادی واجتماعی فوق العاده پائین بوده و تواما با فقر اقتصادی و فرهنگی مواجه اند از پیشرفت تحصیلی بسیار پائین برخوردارند . ازسویی دیگر درکنار فقر فرهنگی و محرومیت های محیطی، شرایط اقتصادی- اجتماعی حاکم بر جامعه نیز در چگونگی تبلور انگیزه های رشد پیشرفت یا افت تحصیلی دانش آموزان نقش به سزائی دارد . وضعیت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خانواده درنظام ارزشها به ویژه در روش تربیت فرزندان تاثیر دارد . در بعضی از خانواده ها پیشرفت کودکان در امر تحصیل به عنوان یکی از ارزشهای مهم تلقی میشود . اینگونه خانواده ها برای پیشرفت فرزندان خود اهمیت زیادی قائل هستند . آنان اغلب با مدرسه و معلم و فرزندان خود در ارتباطند ولی اعضای طبقه کارگر ارزش پائین تری برای آموزش و پرورش قائل هستند . همچنین آنان تاکید کمتری بر آموزش رسمی دارند و آن را وسیله ای برای پیشرفت تحصیلی قلمداد نمی کنند والدین طبقه پائین به هیچ وجه نسبت به معلم و تربیت توجهی ندارند و به امر حضور در جلسات انجمن خانه و مدرسه چندان علاقه ابراز نمی دارند و به هیچ وجه به پیشرفت تحصیلی فرزندان خود رغبت نشان نمی دهند و حتی طفره رفتن از مدرسه را تشویق میکنند و تحصیل کردن را ناچیزی می شمارند . در نتیجه بسیاری از نوجوانان طبقه پائین خواهان این هستند که هر چه زودتر مدرسه را ترک کنند و برای خود شغلی دست و پا کنند پولی به دست آورند . [۱۱]

### خانواده و نقش آن در عملکرد تحصیلی دانش آموزان

خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی مهم ترین نهاد برای رشد و پرورش محسوب می شود . رفتار هر عضو خانواده بر رفتار دیگر اعضا تأثیر دارد و سیستم خانواده یک سیستم پویا است و دائماً با رویدادهای تازه، تغییرات رشدی اعضای خانواده و تغییرات اجتماعی سازگار می شود . اما علی رغم این تغییرات می توان ویژگی های باثباتی را در عملکرد خانواده ها یافت که نحوه رفتار والدین با فرزندان و ارتباط خواهران و برادران را تعیین می کند . [۸]

هر خانواده شیوه ای خاص را در تربیت فردی واجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد . این شیوه ها که شیوه های فرزندپروری نامیده می شوند، متأثر از عوامل گوناگون مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره است . بنابراین نگرشها، اعتقادات و رفتارهای والدین که در قالب الگوی خانوادگی با شیوه های فرزندپروری نمود پیدا می کند، عاملی بسیار مهم در تکوین شخصیت و تثبیت خصوصیات اخلاقی فرزندان و هویت محسوب می شود . [۱۲] هر کدام از این شیوه های خاص تربیتی، می تواند در شکل گیری شخصیت و هویت کودک نقش اساسی داشته باشد.

از آن جا که فرزندان هر خانواده، آینده سازان مملکت هستند، پیشرفت تحصیلی آن ها امری است که پس از سلامت جسمی و روانی، از اهمیت ویژه برخوردار است . عدم توجه والدین به سالم سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و فقدان روابط مناسب، در بیشتر موارد آنان را با کمبودهای عاطفی، انگیزشی و مشکلات روانی روبرو می سازد . تحقیقات نشان داده است تجارب و فرهنگ خانوادگی تأثیر عمده ای بر تکامل فرد در طول دوره نوجوانی و بعد از آن دارد و ارتباطات خانوادگی سایر جنبه های زندگی نوجوان، مانند موفقیت تحصیلی را تحت تأثیر خود قرار می دهد .

بی تردید باید گفت که خانواده نقش ویژه ای در الگو شدن و آموزش دادن رفتارها و میزان های اخلاقی و اجتماعی دارا می باشد. هر گونه ارتباط و وابستگی والدین به فرزند و یا والدین با یکدیگر به عنوان پایه ای برای ارتباط اجتماعی بعدی فرد می توانند مورد الگو و سرمشق قرار گیرند. کودک سخن گفتن. راه رفتن. آداب معاشرت. آداب غذا خوردن. طرز لباس پوشیدن. نحوه برخورد ها. مسئولیت پذیری. مهر و صفا. پرخاشگری. رفتار کناره جویانه. محبت. شجاعت. عاطفه. تعاون. کمک به دیگران. ظلم و تجاوز و ... را از پدر و مادر خود فرا می گیرد. اصولاً در روان شناسی کودک. خصوصاً در سال های قبل از دبستان رفتار کودک به عنوان آینه ای از رفتار والدین به حساب می آید.

یکی از جنبه های کارآمدی خانواده در عملکرد تحصیلی فرزندان پدیدار می شود. موفقیت یا شکست در اعمال تحصیلی میتواند ناشی از کارکردهای سالم یا ناسالم خانواده باشد هر چند که این مفهوم (موفقیت یا شکست تحصیلی) چندعاملی است و عواملی مانند عوامل فردی، درون سازمانی و برون سازمانی در آن دخیل است. [۱۳]

ارتباط مناسب والدین و فرزندان، همدردی در مورد مشکلات، تبادل نظر در مورد مسائل تحصیلی و اجتماعی و کنترل و نظارت بر وضعیت آنها منجر به ایجاد احساس خودکارآمدی و منجر به انگیزه بیشتر برای کسب موفقیت های بعدی در تحصیل میگردد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم یک منبع مهم پرورش دهنده سازگاری مناسب تحصیلی و اجتماعی شناخته شده است. نتایج برخی از پژوهش ها نشان میدهد که دو بعد حمایت خانواده، پیوستگی خانواده و درگیری والدین در فعالیتهای تحصیلی در پیشرفت و سازگاری دانش آموزان مؤثر است. دانش آموزانی که والدینشان را در علایق و نگرانیهای مربوط به مسائل تحصیلی شریک میدانند از لحاظ تحصیلی عملکرد بهتری نسبت به سایرین داشته اند و رفتارهای مداخله ای والدین به طور معناداری بر پیشرفت تحصیلی و اجتماعی فرزندان اثر دارد.

### مولفه های مؤثر در فقر خانواده

پدیده ی فقر از دیرباز با انسان همراه بوده و یکی از مسائل اساسی در جوامع و فرهنگ های شناخته شده ی بشری است که به نظر می رسد عوامل متعددی چون رکود اقتصادی، بیکاری طولانی مدت، تغییرات جمعیتی و سایر عوامل اجتماعی اقتصادی سبب گردیده تا همچنان با این معضل و عواقب ناشی از آن در سطح کشور روبرو باشیم. فقر یک وضعیت اجتماعی است که با فقدان منابع لازم برای بقای اولیه یا دستیابی به سطح معینی از استانداردهای زندگی برای مکانی که فرد در آن زندگی می کند تعریف می شود. سطح درآمدی که فقر را تعیین می کند از مکانی به مکان دیگر متغیر است، بنابراین دانشمندان علوم اجتماعی عموماً بر این باورند که این پدیده به واسطه ی شرایطی مانند عدم دسترسی به غذا، پوشاک و سرپناه تعریف می شود. افراد فقیر معمولاً گرسنگی یا گرسنگی مداوم، عدم آموزش و مراقبت های بهداشتی ناکافی را تجربه می کنند و معمولاً با جریان اصلی جامعه بیگانه هستند. فقر پیامد توزیع نابرابر منابع مادی و ثروت در مقیاس جهانی و در درون کشورهاست. جامعه شناسان این پدیده را همچنین جزو اثرات استثمارگرانه ی نظام سرمایه داری جهانی نیز می دانند. متداول ترین تعریف موجود از مفهوم فقر بر مشکلات اقتصادی تمرکز دارد. این تعریف، فقر را با مقدار پولی که یک فرد به دست می آورد، اندازه گیری می کند و نرخ فقر را برای جوامع و کشورهای مختلف بر اساس نابرابری سطح درآمد و خطوط فقر ترسیم شده در نظام اقتصادی آن کشور، تعیین می کند. به طور کلی عوامل و علت های زمینه ساز فقر در جامعه را می توان به شرح زیر بیان کرد:

- تعارض و جنگ
- تغییرات آب و هوایی
- خدمات عمومی ضعیف و زیرساخت های ناکافی در جامعه
- عدم حمایت دولت
- فقدان شغل و منبع کسب درآمد
- کمبود ذخایر

بی بضاعتی و فقر مالی در بسیاری از خانواده ها حتی باعث ترک تحصیل کودکان و نوجوانان و وارد شدن زودتر از موعد آنها به بازار کار می شود. منظور از ترک تحصیل، دانش آموزانی هستند که زودتر از اتمام تحصیل، مدرسه را ترک می کنند و یا به عبارتی قبل از اتمام یک دوره قادر به ادامه تحصیل نیستند و به ناچار مدرسه را ترک می کنند. همچنین ترک تحصیل منجر به افزایش بی سوادی در جامعه می گردد. متغیرهای موثر بر فقر در خانواده را می توان به شرح زیر بیان کرد :

### ۱. تعداد اعضای خانواده

مبتنی بر مبانی نظری، یکی از عوامل موثر بر فقر بعد خانوار یا تعداد اعضای خانوار است. تئوری های اقتصادی بیان می کنند با افزایش تعداد اعضای خانوار، سرانه درآمدی خانوار و مطلوبیت سرانه اعضای خانوار از امکانات در دسترس کاهش یافته و در نتیجه فقر شدید و همچنین فقر چندبعدی افزایش می یابد.

### ۲. تحصیلات والدین در خانواده

براساس نظریه سرمایه انسانی، منابع خانوار تابعی از سرمایه گذاری انسانی آن است و مهم ترین شاخصی که می توانیم برای بررسی سرمایه انسانی در چارچوب اطلاعات موجود مدنظر قرار دهیم، وضعیت سواد سرپرست خانوار است. در فرهنگ ایرانی، سرپرست خانوار نه تنها به عنوان کسی که درآمد کسب می کند، بلکه به عنوان کسی که بیشترین سهم را در تصمیم گیری چگونگی هزینه کرد و اختصاص درآمد دارد، نقش مهمی در مخارج خانوار دارد. بنابراین سرپرست خانواری که بی سواد است و نمی تواند بخواند و بنویسد و محاسبه کند، تاثیر بسزایی بر رفاه خانوار دارد. در این مطالعه مطابق نظریه سرمایه انسانی، افزایش سال های تحصیل سرپرست خانوار اثر منفی و معنادار بر فقر چند بعدی دارد.

به عبارت دیگر، افزایش سطح آموزش سرپرست خانوار موجب تصمیم گیری بهتر در افزایش مطلوبیت و بهره برداری از امکانات خانوار خواهد شد و همچنین سطح تحصیل همسر سرپرست خانوار نیز اثر منفی و معناداری بر فقر چندبعدی دارد. افزایش سطح تحصیل همسر سرپرست خانوار علاوه بر امکان فعالیت بیشتر اقتصادی خانوار به دلیل افزایش سرمایه انسانی و ارتقای سطح دانش در خانوار و همچنین کمک به تصمیم گیری های اقتصادی در انتخاب بهینه کالاهای مصرفی و کسب بیشترین مطلوبیت موجب کاهش فقر چندبعدی خانوار می شود.

### ۳. جنس سرپرست خانواده

یکی دیگر از عوامل فردی که بر فقر چندبعدی تاثیرگذار است، جنس سرپرست خانوار است. در بسیاری از خانوارها به دلایل مختلف از جمله بیماری یا فوت مرد سرپرست، اعتیاد، ترک یا طلاق، زن سرپرستی خانواده را به عهده دارد. انتظار این است در

خانواده‌هایی که زن سرپرستی را به عهده دارد به دلایل مشکلات اقتصادی و عدم توانایی اقتصادی زنان در اداره خانواده، فقر در این خانوارها افزایش یابد.

#### ۴. درآمد سرانه به قیمت ثابت

بخش دیگری از این گزارش، به آنالیز متغیرهای کلان اقتصادی می‌پردازد. در بین متغیرهای سطح کلان، تولید ناخالص سرانه یک رابطه مثبت و معنادار با فقرچندبعدی دارد. تولید ناخالص سرانه داخلی، معیار سطح توسعه اقتصادی در یک منطقه است و در بررسی اثر قطره چکانی که معتقد است توسعه اقتصادی موجب کاهش فقر می‌شود، به کار می‌آید.

#### ۵. سرانه آموزش

براساس تئوری‌های اقتصادی، سیاست‌های افزایش سرانه خدمات آموزشی و مهارتی موجب گریز از دام فقر می‌شود.

#### ۶. نرخ تورم

نرخ تورم و رشد قیمت کالاها و خدمات مصرفی موجب کاهش قدرت خرید و بالطبع افزایش فقر می‌شود. نتایج نشان می‌دهد این متغیر نیز مانند بیکاری با یک دوره وقفه تاثیر مثبت و معنادار بر فقر چندبعدی دارد. به عبارت دیگر، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها با یک دوره وقفه اثر مثبت و معنادار بر فقر چندبعدی دارد. در بین متغیرهای سطح کلان، بیشترین تاثیر بر شاخص فقر چندبعدی مربوط به این متغیر است. [۱۴]

#### نتیجه گیری

با توجه به اینکه دانش آموزان هر جامعه، قشر کارآمد و آینده سازان هر کشور هستند، لذا سلامت روان آنها در کسب موفقیت های آتی شان از اهمیت بسزایی برخوردار است. هر فرد جهت ورود به اجتماع و در نتیجه رویارویی با موقعیت های گوناگون و افراد مختلف (از نظر فرهنگی، اقتصادی) به پاره ای از ابزار مجهز شده است، این ابزارهای فردی را می توان ساختارهای روانی فرد دانست که می توانند او را در مقابله با رویدادهای زندگی یاری رسانند، این ساختارهای روانی به طور متقابل تحت تاثیر عوامل مختلفی مانند خانواده، اجتماع، گروه همسالان و غیره قرار دارد از سویی آنان را تحت تاثیر قرار می دهد. به همین دلیل محققان همواره به تأثیرات این مولفه های روانی بر جنبه های گوناگون زندگی افراد توجه بسیاری کرده اند که از این میان به تأثیر این مؤلفه ها بر عملکرد شغلی، تحصیلی و اجتماعی اشاره کرد. در این میان پیشرفت تحصیلی بیشتر از سایر متغیرها مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. زیرا به نظر می رسد آنچه می تواند یک فرد، خانواده در نهایت یک کشور را در مسیر پیشرفت، بیش از همه یاری دهد، بهره مندی از افرادی است که نه تنها دارای سلامت روانی مناسبی هستند، بلکه در امر آموزش نیز تحصیلات خود را با موفقیت پشت سر گذاشته اند، آگاهی از جنبه های روانی دانش آموزان می تواند همانند یک ابزار کمک آموزشی قدرتمند عمل کند.

## منابع

۱. رضایی، اکبر. سیف، علی اکبر. (۱۳۹۰). نقش باورهای انگیزشی، راهبردهای یادگیری و جنسیت در عملکرد تحصیلی، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۲۱، شماره ۴
۲. زارع، بیژن؛ شفیع، فرزانه؛ بررسی نقش سرمایه های فرهنگی و اقتصادی خانواده و نوع مدرسه در عملکرد تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی و پیش دانشگاهی منطقه ۱۴ تهران، ۱۳۹۰
۳. شهبازی راد، افسانه؛ میردیکوند، فضل الله؛ رابطه اعتیاد به اینترنت با افسردگی، سلامت روان و ویژگی های جمعیت شناختی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره ۲۲، ۱۳۹۳
۴. رحمانی کمرودی، فاطمه. بهداشت روان در خانه و مدرسه، اولین همایش استانی بهداشت روان کودک و نوجوان، ۱۳۹۴
۵. زاد عبدالله، فتح الله؛ عزیزی، قادر؛ نقش جامعه و فرهنگ در برنامه ریزی درسی، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۹۲
۶. پاکزکی زاده، زهرا؛ تیشه یار، ماندانا؛ چالش های ارتباطی در روابط میان فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹
۷. آیتی، محسن؛ خوش دامن، صدیقه؛ فرهنگ، برنامه درسی و سبک های تدریس و یادگیری، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال ۷، ش ۲۶، ۱۳۹۱
۸. بخشائی، نورمحمد. (۱۳۸۸). نقش خانواده در تربیت فرزندان. فصلنامه تربیت و خانواده. سال دهم، شماره ۴۰، ۶۱ - ۵۸
۹. خدمتیان، محمدامین و عامری، محمد؛ تاثیر سطح اقتصادی خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، پنجمین همایش ملی تازه های روانشناسی مثبت نگر، بندرعباس، ۱۳۹۸
۱۰. افروز، غلامعلی (۱۳۸۱) چکیده ای از: روانشناسی تربیتی کاربردی، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
۱۱. رجایی، جمیل؛ (۱۳۹۲)، تاثیر وضعیت اقتصادی خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر یزد، <http://www.nedaysobh.blogfa.com/post/68>
۱۲. کارگرشولی، هدایت و پاکنژاد، فاطمه. (۱۳۸۲). خانواده نخستین عامل تأثیرگذار بر هویت دانش آموزان. ویژه نامه مجله دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، سال چهارم، شماره ۱، ۱۸۲ - ۱۶۶
۱۳. تمنایی فر، محمدرضا؛ نیازی، محسن؛ امینی، محمد (۱۳۸۶) بررسی مقایسه ای عوامل موثر بر افت تحصیلی دانشجویان مشروط و ممتاز. دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار. دانشگاه شاهد. ۱۴ (۲۴)، ۵۲ - ۳۹
۱۴. بی نا؛ (۱۳۹۸)، دو قفل فقر زدایی، روزنامه دنیای اقتصاد، <https://donya-e-eqtesad.com>